

مکاشفه عیسی مسیح - شماره هشت

تولد یک ملت

Jeff Pippenger

2023-10-31

پیام فریاد نیمه شب در ابتدا، با گشایش داوری تفتیشی، به پایان رسید؛ و پیام فریاد نیمه شب در پایان، با گشایش داوری اجرایی به پایان می‌رسد. وای سوم اسلام به سبب تصویب قانون یکشنبه، داوری را بر ایالات متحده می‌آورد، و نمایانگر داوری‌ای پیوسته و فزاینده بر سراسر جهان است، به سبب پذیرش قانون یکشنبه خودشان تحت فشار قدرت مدنی آزارگر، که ده پادشاه که با ایزابل، فاحشه صور، زنا کرده‌اند، نماد آن‌اند.

"وقتی آمریکا، سرزمین آزادی دینی، با پایت در اعمال اجبار بر وجدان و واداشتن مردم به حرمت نهادن به سبب دروغین متحد شود، مردم هر کشور در سراسر جهان سوق داده خواهند شد تا از الگوی او پیروی کنند." شهادت‌ها، جلد ۶، ۱۸.

آنگاه نبرد قانون یکشنبه در مناقشه عظیم به طور کامل در می‌گیرد. سپس شیطان در هیئت مسیح ظاهر می‌شود.

«با صدور فرمانی که برخلاف قانون خدا، نهاد پاپی را الزام‌آور می‌سازد، ملت ما به طور کامل از راستکاری جدا خواهد شد. وقتی پروتستانیسم دست خود را از فراسوی شکاف برای فشردن دست قدرت رومی دراز کند، و هنگامی که بر فراز ورطه دست در دست روح‌گرایی نهد، و زمانی که تحت نفوذ این اتحاد سه‌گانه کشور ما هر اصل قانون اساسی خود را، به عنوان حکومتی پروتستان و جمهوری، نفی کند و برای ترویج اکاذیب و گمراهی‌های پاپی تمهیداتی فراهم آورد، آنگاه خواهیم دانست که زمان عمل شگفت‌انگیز شیطان فرا رسیده و پایان نزدیک است.» شهادت‌ها، جلد ۵، صفحه ۴۵۱.

به دنبال ارتداد ملی، ویرانی ملی می‌آید.

مردم ایالات متحده مردمی مورد لطف بوده‌اند؛ اما هنگامی که آزادی دینی را محدود کنند، پروتستانیسم را کنار بگذارند و از پاپی‌گری حمایت کنند، پیمان‌های گناهمان‌شان پر خواهد شد و «ارتداد ملی» در کتاب‌های آسمان ثبت خواهد شد. نتیجه‌ی این ارتداد، ویرانی ملی خواهد بود. Review and Herald، ۲ مه ۱۸۹۳.

ادونتیست‌های لاودیکی نادان با قدرت پاپی هم‌دست می‌شوند و سرنگون می‌شوند، در حالی که رمه دیگر مسیح که هنوز در بابل است از چنگال پاپی می‌گریزد.

او همچنین وارد سرزمین باشکوه خواهد شد، و بسیاری از کشورها سرنگون خواهند شد؛ اما اینان از دست او رهایی خواهند یافت: یعنی ادوم، موآب و بزرگان بنی‌عمون. دانیال ۱۱:۴۱.

اسلام ناگهان به ایالات متحده ضربه می‌زند، در حالی که کرنای هفتم برای تصویب قانون یکشنبه، وای داوری را می‌آورد.

و فرشته‌ای را دیدم و شنیدم که در میانه آسمان پرواز می‌کرد و با آواز بلند می‌گفت: وای، وای، وای بر ساکنان زمین، به سبب بانگ‌های دیگر شیپورهای آن سه فرشته که هنوز باید بنوازند! مکاشفه ۸:۱۳.

نشانه‌ای که دو شاهد را در باب یازدهم مکاشفه نمایندگی می‌کند، سپس توسط یوحنا در باب دوازدهم مکاشفه به صورت زنی آراسته به آفتاب به تصویر کشیده می‌شود و از نظر نبوی با نماد آغاز و پایان ترسیم می‌شود.

و شگفتی‌ای بزرگ در آسمان ظاهر شد: زنی که پوشیده در آفتاب بود و ماه زیر پاهایش، و بر سرش تاجی از دوازده ستاره. و چون باردار بود، فریاد می‌کرد؛ در درد زایمان بود و از زادن رنج می‌کشید. و شگفتی دیگری در آسمان پدید شد: اینک اژدهایی بزرگ سرخ که هفت سر و ده شاخ داشت و بر سرهایش هفت تاج. و دم او یک‌سوم ستارگان آسمان را روفت و آنها را به زمین افکند؛ و آن اژدها در برابر آن زن که آماده زاییدن بود ایستاد تا به محض زاده شدن، فرزندش را بلعد. و او پسری به دنیا آورد که می‌بایست با عصای آهنین بر همه قوم‌ها حکمرانی کند؛ و فرزندش به سوی خدا و به تخت او ربوده شد. مکاشفه ۱۲:۵.

او بر ماه ایستاده است و با خورشید پوشیده شده است. ماه بازتاب خورشید است و از این رو از نظر نبوی نماد خورشید است. دوازده ستاره در تاج او نماینده دوازده سبط اسرائیل باستان در آغاز اسرائیل باستان است که نماد دوازده شاگرد در پایان اسرائیل باستان است. آن دوازده ستاره که در پایان اسرائیل باستان دوازده شاگردند، در آغاز اسرائیل نوین نیز دوازده رسول‌اند. بنابراین، آنان نماد یکصد و چهل و چهار هزار نفر در پایان اسرائیل نوین‌اند که شاگردان و رسولان‌اند. در آغاز آن تاریخ که در آن شاگردان هم پایان اسرائیل باستان و رسولان آغاز اسرائیل نوین را نمایندگی می‌کردند، آن زن که کلیساست، باردار مسیح بود. او همان "فرزند نرینه" است که پس از مرگ و رستاخیزش نزد خدا بالا برده شد.

از این رو، آن زن همچنین نماد تولد صد و چهل و چهار هزار نفر است، که آنان نیز پس از زنده شدن از دره مرگ به آسمان صعود می‌کنند. وقتی آنان در آسمان باشند، او نیز کودکی دیگر به دنیا خواهد آورد که نماینده گله دیگری است که هنگام قانون یکشنبه از بابل بیرون می‌آید.

پیش از آنکه به درد زایمان بیفتد، زایید؛ پیش از آنکه درد بر او آید، پسری به دنیا آورد. چه کسی چنین چیزی شنیده است؟ چه کسی چنین چیزهایی دیده است؟ آیا زمین در یک روز می‌زاید؟ یا ملتی یک‌باره زاده می‌شود؟ زیرا همین که صهیون به درد زایمان افتاد، فرزندان خود را به دنیا آورد. آیا من تا زمان زایمان برسانم و نگذارم که بزاید؟ می‌گوید خداوند. آیا من که زایاندم را سبب می‌شوم، رحم را ببندم؟ می‌گوید خدای تو. اشعیا ۷:۶۶-۹.

در زمان حکومت وحش برآمده از زمین، ملتی یک‌باره زاده می‌شود. آن ملت، همان صد و چهل و چهار هزار است، زیرا ایشان کسانی‌اند که به کمال سرشت مسیح را منعکس می‌کنند. ایشان همان کسانی‌اند که «کودک مذکر»، یعنی عیسی، نمونه ایشان است. ایشان «کودک مذکر» اشعیا هستند که پیش از آن که زن به درد زایمان درآید، زاده می‌شود. آن استخوان‌های خشک مردگان که جهان هنگام کشته شدن‌شان به دست وحش برخاسته از هاویه شادمانی کرد، در اورشلیم تسلی خواهند یافت، و آنگاه با آن زن که «کودک مذکر» را به دنیا می‌آورد، شادی خواهند کرد. آن‌ها پیش از آن که او به درد افتد بیرون آورده می‌شوند، و سپس او به درد زایمان می‌افتد و «فرزندان» دیگر «خود» را می‌زاید، آنگاه که امت‌ها به پیام فرشته سوم چون رودی روان پاسخ می‌دهند، چنان که پیام همچون موجی جزرومدی سراسر سرزمین را درمی‌نوردد. آن‌ها در بحرانی عظیم زاده می‌شوند که نمایانگر درد زایمان اوست. زن مکاشفه دوازده، در اصل دوقلو دارد. نخست‌زادگان، همان صد و چهل و چهار هزارند که به‌عنوان نخستینه‌ها شناخته می‌شوند، و امت‌ها، گردآوری عظیم برداشت تابستانه‌اند.

با اورشلیم شادی کنید و با او شادمان باشید، ای همه کسانی که او را دوست دارید؛ با او شادمانی کنید، ای همه کسانی که برای او ماتم می‌گیرید؛ تا از پستان‌های تسلی‌هایش بمکید و

سیر شوید؛ تا بدوشید و از فراوانی جلالش لذت ببرید. زیرا خداوند چنین می‌گوید: اینک صلح را چون رودی به سوی او می‌گسترانم و شکوه امت‌ها را چون جویباری روان؛ آنگاه خواهید مکید، بر بازوانش برداشته خواهید شد و بر زانوهایش نوازش خواهید شد. همان‌گونه که مادر فرزند خود را تسلی می‌دهد، من نیز شما را تسلی خواهم داد؛ و شما در اورشلیم تسلی خواهید یافت. و چون این را ببینید، دل شما شاد خواهد شد و استخوان‌هایتان همچون گیاهی خواهند بالید؛ و دست خداوند بر بندگانش آشکار خواهد شد و خشم او متوجه دشمنانش خواهد شد. اشعیا 10: 66-14.

آنانی که برای اورشلیم «ماتم» می‌گیرند همان کسانی‌اند که برای رجاساتی که در درونش صورت گرفته ناله و زاری می‌کنند و مهر شده‌اند، و این مهر شدن پیش از قانون یکشنبه است. ما اکنون در «کار پایانی برای کلیسا» هستیم؛ همان واپسین لحظات مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر.

قوم حقیقی خدا، که روح کار خداوند و نجات نفوس را در دل دارند، همواره گناه را در ماهیت واقعی و گناه‌آلودش خواهند دید. آنان همیشه جانب برخورد صادقانه و بی‌پرده را با آن گناهی خواهند گرفت که به آسانی دامنگیر قوم خدا می‌شوند. به‌ویژه در کار پایانی برای کلیسا، در زمان مهر شدن آن یکصد و چهل و چهار هزار نفری که باید بی‌عیب در برابر تخت خدا بایستند، آنان عمیق‌ترین احساس را نسبت به خطاهای مردمی خواهند داشت که خود را از آن خدا می‌دانند. این معنا به‌قوت در تمثیل پیامبر از کار نهایی، به‌صورت تصویر مردانی که هر یک سلاحی برای کشتار در دست داشتند، بیان شده است. یکی از ایشان جامه کتان بر تن داشت و دوات کاتب بر پهلو او بود. «و خداوند به او گفت: از میان شهر بگذر، از میان اورشلیم، و نشانی بر پیشانی مردانی بگذار که برای همه رجاساتی که در میان آن انجام می‌شود آه می‌کشند و می‌نالند.» شهادت، جلد ۳، ۲۶۶.

کسانی که «ناله و زاری می‌کنند»، پیش از آن‌که فرشتگان هلاک‌گر با سلاح‌های کشتار از میان کلیسا، که به صورت اورشلیم به تصویر کشیده شده است، بگذرند، مهر می‌شوند.

فرمان این است: «از میان شهر، از میان اورشلیم بگذر و بر پیشانی مردانی که برای همه رجاساتی که در میان آن انجام می‌شود ناله و زاری می‌کنند، نشانی بگذار.» این نالندگان و گریان سخنان حیات‌بخش را اعلام کرده بودند؛ توبیخ کرده، اندرز داده و التماس کرده بودند. برخی از کسانی که خدا را بی‌حرمت کرده بودند، توبه کردند و دل‌های خود را در حضور او فروتن ساختند. اما جلال خداوند اسرائیل را ترک کرده بود؛ هرچند بسیاری هنوز به ظواهر دین ادامه می‌دادند، قدرت و حضور او در میانشان نبود.

در زمانی که غضب او در داوری‌ها ظاهر شود، این پیروان فروتن و وقف‌شده مسیح به سبب رنج جانیشان - که در نوحه و گریه، توبیخ‌ها و هشدارها بیان می‌شود - از سایر جهان متمایز خواهند شد. در حالی که دیگران می‌کوشند بر شر موجود پرده بیفکنند و شرارت عظیم فراگیر را توجیه کنند، آنان که برای حرمت خدا غیرت دارند و محبت نفوس در دل می‌پرورند، برای جلب رضایت هیچ‌کس خاموش نخواهند نشست. جان‌های عادل ایشان هر روز از کارهای ناپاک و رفتار و گفتار بی‌دینان به تنگ می‌آید. آنان از بازداشتن سیلاب شتابان گناه ناتوانند و از این رو از اندوه و هراس آکنده‌اند. در حضور خدا سوگواری می‌کنند، چون می‌بینند دین در همان خانه‌های کسانی خوار شمرده می‌شود که نوری عظیم یافته‌اند. زاری می‌کنند و جان‌های خود را رنج می‌دهند، زیرا غرور، آز، خودخواهی و فریب از تقریباً هر نوعی در کلیسا هست. روح خدا، که بر توبیخ برمی‌انگیزد، زیر پا لگدمال می‌شود، حال آنکه خدمتگزاران شیطان پیروز می‌گردند. خدا بی‌حرمت می‌شود، و حقیقت بی‌اثر می‌گردد.

گروهی که برای افول معنوی خود اندوهگین نمی‌شوند و بر گناهان دیگران سوگواری نمی‌کنند، بی‌مهر خدا خواهند ماند. خداوند رسولان خود، یعنی مردانی را که سلاح‌های کشتار در دست

دارند، مأمور می‌سازد: «در سراسر شهر از پی او بروید و ضربت بزنید؛ چشمتان دریغ نورزد و ترحم نکنید؛ پیر و جوان، هم دوشیزگان و هم کودکان خردسال و زنان را تماماً هلاک سازید؛ اما به هیچ‌کس که بر او نشان است نزدیک نشوید؛ و از مقدس من آغاز کنید.» آنگاه آنان از مشایخی که در برابر خانه بودند آغاز کردند.

«در اینجا می‌بینیم که کلیسا—حرم خداوند—نخستین جایی بود که ضربه خشم خدا بر آن فرود آمد. مشایخ، آنان که خدا نور عظیمی به ایشان داده بود و به‌عنوان پاسبانان مصالح روحانی قوم ایستاده بودند، به امانت خود خیانت کرده بودند. آنان این موضع را اتخاذ کرده بودند که دیگر لازم نیست مانند روزهای پیشین در پی معجزات و ظهور آشکار قدرت خدا باشیم. زمانه تغییر کرده است. این گفته‌ها بی‌ایمانی‌شان را تقویت می‌کند، و می‌گویند: خداوند نه نیکویی خواهد کرد و نه بدی. او آن قدر رحیم است که قوم خود را در داوری مجازات نخواهد کرد. پس «سلامتی و امنیت» فریاد مردانی است که دیگر هرگز صدای خود را چون شیپور بلند نخواهند کرد تا به قوم خدا خطاهایشان و به خاندان یعقوب گناهانشان را نشان دهند. این سگ‌های لالی که پارس نمی‌کردند، همان‌ها هستند که انتقام عادلانه خدای آزرده را احساس می‌کنند. مردان، دوشیزگان و کودکان خردسال همگی با هم هلاک می‌شوند.» شهادت، جلد ۵، ۲۱۰، ۲۱۱.

اشعیا، باب چهار، با به‌کارگیری نماد تکرار دوگانه آغاز می‌شود؛ نشانه‌ای نبوی برای پیام فریاد نیمه‌شب که پیام دومی است و با پیام سقوط بابل متحد می‌شود. سقوط بابل، وقتی به‌صورت نبوی بیان می‌شود، دو بار تکرار می‌شود. عبارت چنین است: «بابل سقوط کرد، سقوط کرد.»

و فرشته‌ای دیگر در پی او آمد و گفت: «بابل سقوط کرده است، سقوط کرده است، آن شهر عظیم، زیرا همه قوم‌ها را از شراب خشم زناکاری خود نوشانید.» مکاشفه ۱۴:۸.

برای بابل حقیقی دو سقوط کتاب مقدسی وجود دارد و برای بابل روحانی نیز دو سقوط کتاب مقدسی. این‌ها در کنار هم نمایانگر چهار شاهد تاریخی هستند که ویژگی‌های پیشگویانه سقوط بابل را مشخص می‌کنند.

و با صدایی نیرومند فریاد زد و گفت: بابل عظیم سقوط کرده است، سقوط کرده است، و مسکن شیاطین شده است، و زندان هر روح پلید، و قفس هر پرنده ناپاک و نفرت‌انگیز. مکاشفه ۱۸:۲.

بابل حقیقی در زمان نمرود، به‌صورت «بابل» سقوط کرد و بابل حقیقی در زمان بلشصر نیز سقوط کرد. بابل روحانی در سال ۱۷۹۸ سقوط کرد و سقوط نهایی آن بارها در کتاب مقدس به تصویر کشیده شده است. به همین دلیل، پیام سقوط بابل حاوی نمادپردازی نبوی «تضاعف» است. با سقوط بابل، تضاعفی رخ می‌دهد، اما برای پدیده‌ی تضاعف دو دلیل اصلی نبوی دیگر نیز وجود دارد.

دلیل دوم این است که به‌عنوان یک پیام، نمایانگر پیامی است که با پیام دومی همراه می‌شود. این، بیانگر دو پیام است. حقایق مهم دیگری نیز با معنا و ساختار پیام فرشته دوم مرتبط‌اند، اما ما تنها یادآور می‌شویم که آخرین روایت نبوی اشعیا، که از فصل چهار آغاز می‌شود، با تکرار دوگانه نماد تسلی‌دهنده آغاز می‌شود؛ همان که مسیح وعده داده بود به هنگام درنگش در قدس آسمانی برای قوم خود فراهم آورد.

تسلی دهید، تسلی دهید قوم مرا، می‌گوید خدای شما. به دل اورشلیم سخن بگویند و به او ندا کنید که دوران مشقتش به پایان رسیده، که گنااهش آمرزیده شده است؛ زیرا او به خاطر همه گناهانش از دست خداوند دوچندان دریافت کرده است. اشعیا ۴۰:۱، ۲

در کتاب مقدس، هیچ متن دیگری به‌اندازه بخشی که در اشعیا از باب چهار تا پایان کتاب آمده، به‌طور مشخص درباره جنبه‌ای از شخصیت مسیح به‌عنوان «آلفا و امگا» سخن نمی‌گوید. مسیح، به‌عنوان آلفا

و امگا، امضای نام خود را - یعنی آلفا و امگا - بر این بخش می‌گذارد، زیرا هنگامی که به پایان اشعیا می‌رسید، بار دیگر به «تسلی‌دهنده» اشاره می‌شود؛ چراکه مسیح «کلمه» است و او آغاز و انجام است.

خداوند چنین می‌گوید: آسمان تخت من است و زمین زیر پای من؛ خانه‌ای که برای من می‌سازید کجاست؟ و جای آرامش من کجاست؟ زیرا این همه را دست من ساخته است و این همه پدید آمده‌اند، خداوند می‌گوید؛ اما به این شخص نظر می‌کنم: به آن که فقیر و دارای روحی شکسته است و از کلام من می‌لرزد. هر که گاوی بکشد، چنان است که انسانی را کشته باشد؛ هر که بره‌ای قربانی کند، چنان است که گردن سگ را بریده باشد؛ هر که هدیه‌ای تقدیم کند، چنان است که خون خوک تقدیم کرده باشد؛ هر که بخور بسوزاند، چنان است که بتی را برکت داده باشد. آری، ایشان راه‌های خود را برگزیده‌اند و جانیشان در رجاساتشان خوشی می‌یابد. من نیز اوهام ایشان را برمی‌گزینم و ترس‌هایشان را بر آنان خواهم آورد؛ زیرا چون خواندم، کسی پاسخ نداد؛ و چون سخن گفتم، نشنیدند؛ بلکه آنچه در نظر من بد بود کردند و آنچه را که من خوش نداشتم، برگزیدند. اشعیا ۱: ۴-۶.

این پرسش مطرح می‌شود که قوم خدا چه خانه‌ای برای او بنا کردند؟ آیا خانه روحانی پطرس را برافراشتند یا کنیسه شیطان را؟ خدا بیان می‌کند که خانه‌ای که او بنا کرده، از کسانی تشکیل شده است که «مسکین و دارای روحی توبه‌کارند» و از کسانی که از «کلام» خدا «می‌لرزند». او کسانی را که از کلامش می‌لرزند در برابر گروه دیگری قرار می‌دهد که هدایای ناپاک تقدیم می‌کنند و راه خویش را برگزیده‌اند. آنان که هدایای ناپاک تقدیم می‌کنند، همان‌گونه که یهودیان دریافتند، خواهند یافت که خانه‌شان برایشان متروک و ویران واگذار خواهد شد.

همه پیامبران از پایان جهان سخن می‌گویند، و این نمونه‌ای است از تمایز میان خردمندان که از کلام او می‌لرزند و نادانانی که رجاساتی را که جانیشان در آنها لذت می‌برد به خدا تقدیم می‌کنند. از این رو، خدا برای دوشیزگان نادان لاودیکه، گمراهی‌ها را برخواهد گزید؛ همان گمراهی‌ای که رسول پولس تصریح می‌کند به سبب پذیرفتن «دروغ» روی می‌دهد.

«دروغ» نمادی مشخص در تاریخ ادونتیسیم است که بنیان در سال ۱۸۶۳ آن را پذیرفتند و در سراسر تاریخ ادونتیسیم بر آن بنا کردند. این یک دروغ بود که بنیانی دروغین پدید آورد، و از همان‌جا برپایی هیكلی جعلی و دروغین را آغاز کردند. کار آنان در جعل هیكل حقیقی تا «آخرا لایام» ادامه دارد. اشعیا سیاق فصل شصت و شش را در چارچوب جدایی باکره‌های دانا و نادان قرار می‌دهد. اشعیا در حال شناسایی تاریخ نبوی‌ای است که آن را در آیه نخست فصل چهل اشعیا نشان نهاده بود، هنگامی که مسیح وعده داد تسلی‌دهنده را سه‌ونیم روز نمادین پس از ناامیدی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ بفرستد.

کلام خداوند را بشنوید، ای کسانی که از کلام او می‌لرزید؛ برادران شما که از شما نفرت داشتند و به خاطر نام من شما را بیرون راندند، گفتند: «خداوند جلال یابد»؛ اما او برای شادی شما ظاهر خواهد شد و آنان شرمسار خواهند شد. آوای غوغا از شهر، آوایی از هیكل، آوای خداوند که به دشمنان خود جزا می‌دهد. اشعیا ۵: ۶، ۶: ۶.

از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، در جنبش پیروان میلر، خداوند هیكلی روحانی بنا کرد که او به‌عنوان «فرستاده عهد» در سال ۱۸۴۴ ناگهان به آن آمد. خداوند در جنبش صد و چهل و چهار هزار، هیكلی روحانی بنا می‌کند تا ناگهان بیاید و با آن هیكل وارد عهد شود. پطرس، در رساله اول خود، فصل دوم، آن هیكل را «خانه‌ای روحانی» می‌نامد. آنان که «کلام خداوند را می‌شنوند»، همان کسانی‌اند که یوحنا در مکاشفه به آنان اشاره می‌کند، هنگامی که می‌گوید آنان که می‌شنوند «خوشحال»‌اند. آنان همان بیرق‌اند، زیرا این بیرق از «رانده‌شدگان اسرائیل» فراهم آمده است. لاودکیان نادان سرافکنده خواهند شد، هنگامی که

خداوند در فیلادلفیایی که از کلام او می‌لرزند، خود را جلال دهد، و کلام او «راستی» است.

سه صدا که در دوره‌ای که خردمندان و نادانان از گروه دیگر جدا می‌شوند شنیده می‌شوند، از «شهر»، از «معبد» و از «خداوندی که جزا می‌دهد» می‌آیند. نخستین «صدا» از شهر «صدای هیاهو» است، و این «هیاهو» همان آمدن تسلی‌دهنده است که ناگهان فرا می‌رسد.

و چون روز پنتیکاست فرا رسید، همه با یک‌دل در یک‌جا گرد آمده بودند. ناگهان صدایی از آسمان آمد، مانند وزش باد نیرومند و توفنده، و سراسر خانه‌ای را که در آن نشسته بودند پر کرد. و زبان‌هایی مانند شعله‌های آتش که تقسیم شده بودند بر آنان پدیدار شد و بر هر یک از ایشان قرار گرفت. اعمال رسولان ۱: ۳۱-۳۲.

واژه‌ای که در اعمال رسولان، باب دوم، آیه دو، به «صدا» ترجمه شده، به معنای «هیاهو» و نیز «شایعه» است. «شایعه» یعنی پیشگویی. آن «صدا» یا «هیاهویی» که از «شهر» می‌آید، با «بادی نیرومند» نشان داده شده است. «صدای هیاهو از شهر» همان «شایعه» یا پیام نبوی اسلام است که آمدن تسلی‌دهنده را در دره استخوان‌های خشک اعلام می‌کند؛ همان‌ها که در «خیابان آن شهر بزرگ» که از نظر روحانی سدوم و مصر خوانده می‌شود و جایی است که خداوند ما نیز در آن مصلوب شد کشته شدند.

در باب چهلیم اشعیا، آن «صدا» که قرار بود راه را برای «پیام‌آور عهد» آماده کند، پرسید چه پیامی را باید «فریاد» کند. به او گفته شد پیام اسلام را «فریاد» کند. در اعمال رسولان، آن «صدا» که «خانه» روحانی پطرس را پر کرد، «باد تند و نیرومند شتابان» بود که در حزقیال سی‌وهفت، از چهار باد اسلام می‌آمد.

صدای هیاهو از شهر، صدایی از هیکل، صدای خداوند که به دشمنان خود جزا می‌دهد. اشعیا ۶۶:۶

از خیابانی که در آن سرور ما مصلوب شد، تسلی‌دهنده نخست به «صدا»ی آن که در بیابان فریاد می‌زند می‌فهماند که پیام چه باید باشد. سپس سپاه نیرومندی که همان هیکل برپا شده است، چنان‌که نمونه‌اش را در جنبش آغازین از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ می‌بینیم، آن فریاد را شدت می‌بخشد. حرکت این سپاه نیرومند، هنگام اعلام فریاد اسلام، به «صدای» سوم می‌انجامد که صدای خدا را در داوری بر ایالات متحده، به سبب تصویب قانون یکشنبه، مشخص می‌کند. همان‌جاست که خداوند مکافات می‌دهد. آن سه صدا در چارچوب ساختار تاریخ پنهان «هفت تندر» سامان می‌یابند؛ تاریخی که نمایانگر حروف آغاز، میانه و پایان واژه‌ای عبری است که به دست زبان‌شناس شگفت‌انگیز آفریده شد و به «حقیقت» ترجمه می‌شود. واقعاً نمی‌شود چنین چیزهایی را از خود درآورد!

مطابق با تاریخ پیشگویانه‌ای که در حال شناسایی آن بوده‌ایم، اشعیا سپس به تولد یک ملت می‌پردازد.

پیش از آنکه به درد زایمان بیفتد، زایید؛ پیش از آنکه درد بر او آید، پسری به دنیا آورد. چه کسی چنین چیزی شنیده است؟ چه کسی چنین چیزهایی دیده است؟ آیا زمین در یک روز می‌زاید؟ یا ملتی یک‌باره زاده می‌شود؟ زیرا همین که صهیون به درد زایمان افتاد، فرزندان خود را به دنیا آورد. آیا من تا زمان زایمان برسانم و نگذارم که بزاید؟ می‌گوید خداوند. آیا من که زایاندن را سبب می‌شوم، رحم را ببندم؟ می‌گوید خدای تو. اشعیا ۷: ۶۶-۹.

ملتی که پیش از آنکه زن به درد زایمان افتد زاده می‌شود، اخیراً در خیابان بود، مرده و خشک، در حالی که تمام جهان بر احوالش شادی می‌کرد. اما هنگامی که دو شاهد برخاستند، آنان که بر مرگ ایشان شادی می‌کردند، ترسان شدند. وقتی پیکرهای کشته‌شده خشک و مرده به عنوان یک ملت

برخیزند، همه کسانی که اورشلیم را دوست دارند آنگاه با او شادی خواهند کرد. گروه دوست‌داران اورشلیم نه تنها ملت یک‌صد و چهل و چهار هزار نفر را، بلکه گله دیگری خدا را نیز که آنگاه از بابل فراخوانده می‌شوند، در بر می‌گیرد. رستاخیز از نومیدی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ با آمدن تسلی‌دهنده تحقق می‌یابد؛ او «استخوان‌های» مرده و خشک را چنان خواهد کرد که «مانند گیاه شکوفا شوند».

با اورشلیم شادی کنید و با او شادمان باشید، ای همه کسانی که او را دوست دارید؛ با او شادمانی کنید، ای همه کسانی که برای او ماتم می‌گیرید؛ تا از پستان‌های تسلی‌هایش بمکید و سیر شوید؛ تا بدوشید و از فراوانی جلالش لذت ببرید. زیرا خداوند چنین می‌گوید: اینک صلح را چون رودی به سوی او می‌گسترانم و شکوه امت‌ها را چون جویباری روان؛ آنگاه خواهید مکید، بر بازوانش برداشته خواهید شد و بر زانوهایش نوازش خواهید شد. همان‌گونه که مادر فرزند خود را تسلی می‌دهد، من نیز شما را تسلی خواهم داد؛ و شما در اورشلیم تسلی خواهید یافت. و چون این را ببینید، دل شما شاد خواهد شد و استخوان‌هایتان همچون گیاهی خواهند بالید؛ و دست خداوند بر بندگانش آشکار خواهد شد و خشم او متوجه دشمنانش خواهد شد. اشعیا ۱۰: ۶۶-۱۴.

آلفا و امگا پایان آخرین روایت اشعیا را دقیقاً همان‌جایی قرار می‌دهد که در ابتدا آغاز شده بود، با شناسایی فرارسیدن تسلی‌دهنده. و چنان‌که همیشه در مورد هر پیامی که نماینده پیام ایلیا است صدق می‌کند، این پیام در چارچوب اینکه خداوند زمین را به لعنت بزند قرار می‌گیرد.

زیرا اینک، خداوند با آتش خواهد آمد، و ارابه‌های او چون گردباد، تا خشم خود را با شدت اعمال کند و توبیخ خویش را با شعله‌های آتش جاری سازد. زیرا خداوند با آتش و با شمشیر خویش با همه بشر داوری خواهد کرد؛ و کشتگان خداوند بسیار خواهند بود. آنان که خود را تقدیس می‌کنند و در باغ‌ها خود را تطهیر می‌نمایند، پشت یک درخت در میانه، در حالی که گوشت خوک و پلیدی و موش می‌خورند، همگی با هم نابود خواهند شد، می‌گویند خداوند. زیرا من اعمال و افکارشان را می‌دانم؛ زمانی خواهد آمد که همه قوم‌ها و زبان‌ها را گرد خواهم آورد؛ و آنان خواهند آمد و جلال مرا خواهند دید. اشعیا ۱۵: ۶۶-۱۸.

ادونتیست‌های لائودکیه‌ای نادانی که پشت «درخت» معرفت نیک و بد، که «در میان» «باغ» عدن است، قرار دارند، مدعی‌اند که خود را تقدیس و تطهیر می‌کنند، حال آن‌که در واقع تعالیم ناپاک بابل را می‌خورند و به سبب گناهانی که آن‌قدر دوست‌شان دارند که از آن‌ها دست بکشند، همان‌گونه که آدم و حوا پنهان شدند، پنهان می‌شوند. ایشان با تمام امت‌های دیگر هلاک خواهند شد. در مقابل ایشان، حکیمانی هستند که «نشانه» خواهند بود. آن «نشانه» همان «بیرق» است که نمایانگر سبت است؛ همان نشانه خداوند، خدای تو، که در حقیقت قومش را تقدیس می‌کند.

از این رو بنی‌اسرائیل باید سبت را نگاه دارند، تا سبت را در تمامی نسل‌های خود نگاه بدارند، به‌عنوان پیمانی جاودانی. این نشانه‌ای است میان من و بنی‌اسرائیل تا ابد؛ زیرا خداوند در شش روز آسمان و زمین را ساخت و در روز هفتم آرام گرفت و تازه شد. خروج ۳۱: ۱۶، ۱۷.

خردمندان پشت درخت ادعای دینداری پنهان نمی‌شوند؛ آنان چون بیرقی برافراشته می‌شوند و در صحنه‌های پایانی نبرد عظیم، جلال خدا را آشکار می‌سازند. جلال او سیرت اوست، و جنبه‌ای از سیرت او که آنان به جهان می‌نمایانند، آلفا و امگا، آغاز و انجام، اول و آخر است؛ همان‌که از آن با عنوان «حقیقت» یاد می‌شود.

و نشانه‌ای در میان ایشان خواهم نهاد، و از ایشان بازماندگانی را به سوی امت‌ها خواهم فرستاد: به ترشیش، پول و لود که کمان می‌کشند، به توبال و یاوان، به جزایر دوردست، آنان که نام مرا نشنیده و جلال مرا ندیده‌اند. و ایشان جلال مرا در میان امت‌ها اعلام خواهند کرد. و همه برادران شما را از میان همه امت‌ها، به عنوان هدیه‌ای برای خداوند، بر اسبان و در ارابه‌ها و در کجاوه‌ها و

بر قاطرها و بر چارپایان تیزرو، به کوه مقدس من، یعنی اورشلیم، خواهند آورد، خداوند می‌فرماید، همان‌گونه که بنی‌اسرائیل هدیه‌ای را در ظرفی پاک به خانه خداوند می‌آورند. و همچنین از ایشان برای کاهنان و لایوان برخوادم گزید، خداوند می‌فرماید. زیرا چنان‌که آسمان‌های نو و زمین نو که من خواهم ساخت در حضور من برقرار خواهند ماند، خداوند می‌فرماید، نسل و نام شما نیز برقرار خواهد ماند. و واقع خواهد شد که از ماه نو تا ماه نو و از سبت تا سبت، همه بشر خواهند آمد تا در حضور من پرستش کنند، خداوند می‌فرماید. و بیرون خواهند رفت و به لاشه‌های مردمانی که بر ضد من عصیان ورزیده‌اند خواهند نگرست، زیرا کرمشان نخواهد مرد و آتششان خاموش نخواهد شد، و نزد همه بشر مایه انزجار خواهند بود. اشعیا ۶۶: ۱۶-۲۴.

آخرین روایت نبوی اشعیا با آمدن تسلی‌دهنده در ژوئیه ۲۰۲۳ آغاز می‌شود، و روایت درست همان‌جا که آغاز شده بود به پایان می‌رسد. این روایت در تاریخ پنهان هفت رعد که درست پیش از بسته شدن مهلت، مهر آن گشوده می‌شود، پدیدار می‌گردد. تکرار جنبش میلی در آغاز را با تاریخ جنبش یکصد و چهل و چهار هزار نفر در پایان یکی می‌شمارد. پیام نفرین همراه پیام ایلیا را به منزله پیام کار نبوی اسلام در به خشم آوردن ملت‌ها به تصویر می‌کشد؛ چنان‌که از سوی خداوند به کار گرفته می‌شود تا داوری را 'نخست' بر ایالات متحده، به سبب قانون یکشنبه، و 'آخر' بر سراسر جهان، به خاطر همان عصیان، فرو آورد.

در مقاله بعدی به بررسی آخرین روایت اشعیا ادامه خواهیم داد.